

[Afghanistan Digital Library](http://hdl.handle.net/2333.1/2v6wwr57)

adl0345

<http://hdl.handle.net/2333.1/2v6wwr57>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

کتابخانه محمد اکبر
عاشق
مارتیه کابل افغانستان

عبدالاحمد

لوامشر مکاتب عسکریه :

عبدالمجید محمود سامی

په پښتانه
۷۵۱



خلاصه بحث بیت نظام

از کتب عسکریه عثمانیه

مجله

طبع اول

کابل در مطبعه مکتب فنون حربیه طبع شد

۱۳۰۲ جوزا

(په پښتانه)

نیت نظام : [مواد همومیه]

خط اخپور	اصلی	هر گاه مقدار متر در قویانده و بیان نفوس مترها دانما دو دو کام میباشند .
۱۴۲	خفیف	مترها هر گاه از ۲ کام و زیاده تر باشد .
	کثیف	مترها هر گاه از ۲ کام و کمتر باشد .
	بی متر	مترها به درجه که اخپور یا سلاح خود را بی قید و آرام استعمال کرده بتوانند میباشد . (متر اصغری)

تعیین خط

اخپور ۱۴۳

باید که

تعیین کرده

شود :

۱. اسم و

نومر و قطعه

که اخپور

میشود ،

در حین ضرورت

متر نیز .

۰۲

استقامت

رفتار ،

قطعه استقامت باید که

یکه لا و وانها تهریف

و تا که ممکن است دور

انتخاب کرده شود .

هر گاه دیگر امر داده

نشده باشد ارتباط را از

وسط گرفتن مناسبتر

۰۳. قطعه

ارتباط

است . (به بحث ارتباط و مراجعت

کنید) (۱)

چنان وضعیت باید بگیرند که تأثیر آتش دشمن در حقیقت اقتضا نماید .

قوماندانان
صیت ۱۴۵

ا. از نظر دشمن : مستور

کند ،

ب. از آتش دشمن : مستور

کند .

باید که

صترة ۱۵۱

تأثیر آتش ما : مرجح است بر

مستوریت ما .

خود را نشان

از ادنا و خوردترین پستی و بلندیهای

زمین ، مکملآ استفاده نموده ،

تداوه یعنی

مستوراً

در اراضی دشت و هموار : باید که

خمیده و یا زحف کرده حرکت کرده

پیشرفت

کردن ۱۵۶

شود .

علاوه بر اینها باید که در اراضی دشت و هموار : باید که خمیده و یا زحف کرده حرکت کرده شود .

۱۵۷ بلجہ در وضعیت بزوت نیز باید کہ استعمال
 کرده شود . سریمأ باید کہ يك مسند
 تدارك كرده شود . در عمليك
 ممکن است يك چيقوری ا حفر کرده
 بداخل آن ا جای گرفته شود .
 در تاريسی بسیار ساكتانه يعنی خاموشانه ا
 ۱۵۷ مکرر حرکت باید کرد . و اقسام كافة
 تجهيزات باید کہ تثبيت کرده شود .
 ۱۵۹ غبرکهای زياده کی ا دلکی دست
 راست شان ا مائد اند .
 دلکی هر دلکی ا يك دلکيمشر ويك ويکل
 دلکيمشر دارد .
 ۱۶۶ بلوک قاعدة جزو تام قومانده و اداره
 آتش است .

۱ . نقر یعنی سائر سپاهی :

}	۱ . در خصوص استعمال سلاح ۲ . در خصوص استفاده ۳ . از اراضی ۴ .	چیزهاییکه از نقر خواسته میشود اینهاست :
	۵ . اوامریکه داده میشود تماماً و مکملأ	

ایضا نمودن

۷۵۱

دقت در تنظیم نشانگاه

دقت در هر انداخت

دقت متبادیه به مافوقان

دقت متبادیه به دشمن

ح. و قتیکه حال هدف ؛ مساعد

باشد آتش را خود بخود ؛

تسریع کردن

ط. بمجردیکه دشمن ؛ از نظر ؛

قائب شد آتش را خود بخود ؛

قطع کردن

ی. جبخانه را به اداره ؛ صرف نمودن

ک. اداره آتش هرگاه منقطع شود

فکر اعتدال را محافظه نموده

خود بخود ؛ حرکت کردن

علاوه بر اینها :

ل. قوه میزه

م. اعتماد قیس ← احتیاط

ن. شجاعت

ب. دلگیمشها :

۰۱	اخبوریهای خودها را بداخل	وظائف
	حلیکه برای دلگی ، مخصوص	شان ۱۶۲
	است بقدر امکان ، مستوراً	۱۶۳
	سوق نمودن	

۰۲ اخبوریهای خود را سریمآ
 و ما همراه به موضع ، در آوردن
 ۰۳ از بهر پیدا کردن و شناختن
 هدف ، دوربین استعمال کرده
 توانستن

۰۴ تأثیر مرمی را ترصد کردن
 ۰۵ سریمآ و صحیحاً مسافه را
 تخمین کردن

۰۶ در قومانده دادن ، معلم بودن
 ۰۷ به مواد آتیه ، متبادلاً دقت
 و نظارت کردن :

ا. به تنظیم نشانگاه ها به دست
 ب. به توزیع آتش

ع الاصله ۸۷

- ۰۳ . به اجرای آتش به دقت
- ۰۴ . به سرعت آتش
- ۰۵ . به صرفیات جیبخانه
- ۰۶ . تودیع و نشر اوامر و تبلیغات شفاهی بواسطه همدیگر :

- ۰۱ . امر کیست
 - ۰۲ . برای کیست
 - ۰۳ . محتویات امر
- به بحث اداره
آتش
مراجعت
کنید

- ۰۴ . يك دست را بالا کرده
- اخذ امر را تصدیق نمودن

- ۰۸ . از گرفته شدن ؛ امر از طرف دلکی مجاور

- ۰۹ . در زمانیکه آتش را متحداً اداره نمودن ؛ ممکن نشود : آتش را مستقلاً اداره کردن

۲۱۰

مستولت

آتش ۱۶۴

۱۰. در تعرض :

ا. در خصوص قریب به دشمن ؛

از هر فرصتی که پیدا شود

استفاده باید کرد ؛ حتی

بدون امر نیز .

ب. به هر حرکت دلکی های

مجاور ؛ به واسطه آتش

دلکی خود ؛ امداد و

معاونت باید کرد .

دلگیمشها آتش نمیکند :

مگر همراه محاربه در یک موضع ؛

کشال شود و وظیفه شان در خصوص

اداره دلگیمهای شان ؛ مساعد باشد

اشترک در آتش می ورزند .

• نمنان مسافه :

۱۷۳ | هر دو نمنان ؛ دائما قریب بلوکشر

میباشند .

وظایف شان

۱. قرار و نتیجه مخمین خود ها را

منتظر به سوال نشده به بلوکشره

کتمن .

۲. دشمن را ترصد کردن (پس

رقبتش ، پیش آمدنش . . .

و هكذا) ، هر نوع تبدلاتیکه نزد

دشمن ، واقع شود به آواز

بلند ، خبر دادن .

۳. دلگبهای مجاور را زیر نظر

داشتن .

۴. یکی از مخمینان ، ارتباط چشمی

با تولىمشر ، تاسیس میکند

(مگر هرگاه هیچ يك بوریزن

و یا طنبورجی نباشند)

۵. آتش نمیکندند . مگر هرگاه

اهمیت دیگر وظایف شان نمائند

بنا بر امر بلوکشره ، آتش

میکنند

د. د. بوریزان ها و ظنورجی ها :

باید که در خصوص مخا بره به واسطه
فلامه و تعلیمیاته باشند .

۱. تولیشر را علی الدوام زیر نظر
گرفتن

وظائف شان

۲۲۱

۲. به تولیشر ؛ خیر دادن ؛
اشارات قطعه مخا بره را

۳. به بلوکشر ؛ خیر دادن ؛
اشارات تولیشر را

۴. نزدیک شدن قطعات قویه مارا .
داخل شدن طویچی به موضع . . .
والخ را به قوماندان خود و
خیر دادن .

۵. قوماندانان بلوک یعنی بلوکشران

امر میکنند

۱. تشکیل خط اخبوردرا (به بحث

۱۶۷

۱۴

تشکیل خط اخیور	
(مراجعت کنید)	
۰۲ استقامت رفتار را (به بحث قوامانده های تشکیل خط اخیور : مراجعت کنید)	
۰۳ ارتباط را (به بحث تشکیل خط اخیور : مراجعت کنید)	
از تعیین مسافه به سمت : بنا بران برای او درین خصوص :	مسئولست ۱۷۳
۰۱ مخمنان مسافه و دلکیمشان مستند	۲۰۲
ب. آلات مساحه ، تعیین مسافه از روی خریطه ها ، پیاده و طوبیجی که پیشتر از خودش آتش میکردند	
۰۴ بر یک قطه به واسطه دو دلگی : آتش کرده مسافه را	

سریدار علی احمد
لوگوئی

۱۳

تعیین نمودن : مساوت
میکند .

(در حائث ما بعد به بحث تقسیم

آتش : مراجعت کنید)

۱ . وکیل های بلوکشران را

۲ . دلگیمشران را

۳ . وکیل های دلگیمشران را

۴ . افراد ارتباط هر دلگی را

۵ . مخمندان مساف را (به صحیفه -

۹ مراجعت کنید)

۶ . مقوار کردن قطارهای کشف محاربه را

در جناحهای بلوک : (عنداللزوم)

۷ . در حین اخپور شدن : کدام

یکی از بودریزان و طنبورچی :

بمراه بلوک خواهد بود او را

۸ . بلوک را در موضع : جاگزین کردن :

۱ . دلگیمشران : زحف کرده

توزیع آتش

در محاربه

قبل از شروع

محاربه : تعیین

میکند :

در مدافع

۱۶۸

محرری موضع مناسبترین میکنند
چو کات موضع را بشرطیکه آزاد
و خوب یک میدان انداخت
داشته باشد تشکیل میدارند

ب. (هرگاه دشمن ؛ نزدیک باشد)
افراد ا پیروی دلگیمشران را
کرده زحف میکنند .

ح. ادوات استحکامیه گرفته میشود

د. مسند تفنگ را اصلاح باید کرد

ه. ستره را اصلاح باید کرد

و. کارتوس را حاضر باید کرد

ز. با نشانها ها نیزکه تنظیم کرده

شده است به محلیکه بلوکمشر امر

کند نشان باید گرفت

ح. چون آمدن دشمن ؛ ملحوظ

است لهذا باید که یک چند نقطه

نشان مناسب ؛ منتخب و مقرر

نموده مسافه آنها تعیین کرده شود
 و به افراد دانسته کرده شود
 (۲ نقطه به استقامت
 ز و پرو ، ۱ نقطه به استقامت
 قدری شسی نیم ، ۱ نقطه و
 به استقامت قدری کین نیم و
 منتخب شوند)

۰۲ برای شروع به آتش : احضارات
 لازمه را اجرا کردن :
 ا. خود را پشت سپر و اخفا
 کردن

ب. مخفیگاهها را پر کرده و قید کرده
 و نشانگاه ها را تنظیم کرده
 بالای مسند و گذاشتن

ج. دشمن را به واسطه دوربین و
 دائما ترصد کردن

۰۱ هرگاه اراضی و آتش دشمن و
 مساعده کند :

در امرض

۱۶۹

خط اخپور

۱۶

۱. خط اخپور قوی و کثیف را

اقسام آن را جدا نکرده

پیش بردن

۲. از جاهای غیر مستور و معروض

آتش دشمن اند دویده

گذشتن

ب. در اراضی بی ستره :

۱. آن قسم خط اخپور که تعرض

خواهد کرد یعنی پیشرفت خواهد

کرد اورا واضحاً تعیین کردن .

۲. نصف نصف ریا داکمی دلگی :

یک خط اخپور خیلی خفیف

(یعنی به منزله های ۶ - ۱۰

کام) تشکیل کردن .

۳. اقسام مذکوره فوق را به

مسافت های غیر منتظم یعنی

به طرز موجه و یکدیگر را

متعاقباً پیش بردن .

عربی
عالمی

۴. یادریک محل مستور ویا در
 موضع نخستین آتش ؛ بلوک
 را تکرار متحد ساخته به
 قبض خود آوردن .
 در اراضی بی سزه و زیر آتش
 دشمن ؛ برای تعرض ؛
 پیشرفت کردن لازم باشد
 بلوکشر ؛ اولاً مستوراً دلگی
 اول در راه منز مناسب ؛ اخبور
 میکند ؛ این دلگی ؛ تریه
 های کوتاه کرده و برای
 تنفس ؛ پروت نموده به
 خطیکه بلوکشر نشان داده
 است (ویا به موضع نخستین
 آتش) میرسد . بلوکشر
 و خمنان مسافه و بوریزان ؛
 یا همراه دلگی مذکور ؛ یکجای
 ویا بیشتر ؛ به موضع مذکور میروند .

بلوك

۱. تشكيل يك خط اخپور

خط اخپور از هر نظام و به هر استقامت بايد که به سرعت و به کمال انتظام و سکونت اجرا يابد .

۱۷۴

- ۱. اسم و نومره قطعه (به صحيفه - ۲۶ مراجعت)
- ۲. استقامت رفتار (صحيفه - ۲۷)
- ۳. ارتباط

در مسن قومانده ذکر يابد :

فقر ارتباط : فقر صف اول از غبوك دوم دلکى است دلکيمش را تعقيب ميکنند هر گاه امر ديگر داده نشده باشد :

ارتباط

دلکى

ارتباط :

- (ا) بلوك اگر از نظام صف حرب اخپور شود دلکى جناح راست نصف دوم بلوك . شکل ۱
- (ب) به يك طرف : ينى وقتيکه بلوك

به طرف راست ؛ اخپور شود
 دلکی جناح چپ بلوک ؛ ارتباط
 میباشد و اگر به طرف چپ ؛
 اخپور شود دلکی جناح راست
 بلوک ؛ ارتباط میشود . شکل ۲
 (ب) بلوک هرگاه از نظام دلکی قطار ؛
 اخپور شود ؛ دلکی سر ؛ ارتباط
 است . شکل ۳

(د) بلوک وقتی که دو طرفه اخپور شود :

- | | | |
|--------------------------|---|------------------|
| اخپور
میشوند
شکل ۴ | } | ۱ . دلکی های نصف |
| | | اول بلوک ۱ ؛ |
| | | طرف راست دلکی |
| | | ارتباط ؛ |
| } | } | ۲ . دلکی های نصف |
| | | دوم بلوک ۱ ؛ |
| | | طرف چپ دلکی |
| | | ارتباط |

تفنک

۰۱ به وضعت رفتار هجوم میباشد .

۱۷۵

یعنی دست راست از قونداغ دست

گرفته به پهلوئی راست کشاله و

دهن تفنک : قدری بالا میباشد .

۰۲ بقرار خواهش اخیوری : برداشته

میشود . یعنی یازیر بغل می بردارد

و یا وقتیکه هر دو دست را آزاد داشتن :

لازم باشد تفنک را از بند به کردن :

آویزان میکند .

۰۳ هرگاه اجازه دراز کردن بند تفنک

داده شود باید که امر (بند اوژدکی)

داده شود .

در قومانده اخیور سی :

و وظیفه :

۰۱ اخیوری :

۱۷۶

۰۱ افراد صف دوم به طرف

راست افراد صف اول میروند .

عالمی
۲۱

۰۲ ما بین اخبور ہا دو دو کام

میشاند . یعنی ہر متز ۱ ۲ کام

است . ہر گاہ زیادہ تر ویا کمتر

متز بکار باشد امر داده میشود .

۰۳ اخبور ہا دلگیمشر ہای خود را

از ۱۰ کام ؛ تعقیب میکنند .

۰۴ قرار تباط ہر دلگی ؛ دائما

دلگیمشر خود را تعقیب میکند .

اگر چہ دلگیمشر مذکور از

دلگیمشر ارتباط ؛ دور شود ہم .

۰۵ ارتباط ؛ بہ داخل ہمہ خط

اخپورنی ؛ بلکہ بہ داخل دلگی ؛

محافظہ کردہ شود .

۰۶ آن دلگی ؛ کہ بہ عقب بلوکشر

میروود در اتئی رفتار باید کہ برای

بلوکشر و مخمینان مسافہ و پوریزان

ویا ط-نیورجی ؛ یک جای خالی

بگذارد . تادر حین موضع گرفتن
مضایق یعنی تنگیابی واقع نشود .

ب. دلگیمشرها :

- ۱. در لوماندۀ اخیور باید که سریمآ جهیده برآیند (برای تشکیل اساس خط اخیور)
- ۲. دلگیمشر دالکی ارتباط در ابتدا به کامهای کوتاه میروند و بعد به استقامتیک امر شده ست به کامهای آزاد و کلان میروند (بقرار یک در دقیقه ۱۱۴ خطوه)

۳. دیگر دلگیمشرها :

- ۱) نظریه موضعی خود از دلکی ارتباط باشی نیم ویا کهن نیم رفته از هم دیگر جدا میشوند و پیشرفت میکنند .
- ب) مترهای خود را از دلگیمشرهای مجاور نظریه متریک

و نظیفه
شان ۱۷۶

برای اخپورها امر شده
تقدیر میکنند .

مثلا : اخپورها هر گاه

منز اصلی را (۲ کام را)

گرفته باشند از يك دلگيمشر

تادبكر دلگيمشر مجاور :

۲۴ کام وهكذا میباشد .

(ح) دلگيمشورها فقر ارتباط دلگي

های خود را هر گاه بيك

صورتيكه از خطا سالم باشد

سوق نمایند البته ارتباطيكه

مايبن دلگي های خود و دلگي

ارتباط است محافظه کرده

میشود . و هر گاه بالعكس

باشد گاه بيك طرف و گاه

به ديكر طرف ، موج، خوردن

خط اخپور ، واقع میشود .

و ظائف

۰۵ بلوکشران :

نشان ۱۸۶

۰۱ بلوکشر ۱ بهمره مخمنان مسافه

و بوریزان ۱ اقلأ ۱۰ کام ۰

پشتر از دلکیمشرا میرود -

۰۲ در ابتدا در پیشروی وسط بلوک

میباشد و :

دست خود را دراز کرده

استقامت رفتار را نشان داده

۰۳ بسده به هیچ جای ۱ مقید

نمیباشد ۰

۰۴ دلکی ارتباط را (یاد رقومانده

آخپور ۱ و یا پشتر ۱ و یا پستر

از قومانده مذکور) تعیین

میدارد ۰ (۱۷۴)

۰۵ استقامت رفتار را به دلکیمشر

دلکی ارتباط ۱ ارائه میکند ۰

۰۶ اراد بوده بلوک خود را در

ع (د)

۹

۲۵

اراضی ۱ بکمال مهارت : سوق

باید کرد . شاید

۰۷ . بی انتظامی : ببلوکهای مجاور

باید که میدان ندهد .

۰۸ . و در عین زمان : دشمن را

ترصد میکند .

۰۹ . هرگاه بلوکهای متعدد : اخپور

شود جنسهای در دالکی ها

بود همچنان در بلوکها نیز :

ارتباط را در داخل بلوک محافظه

نمیدارند .

بلوکشوران : استقامت رفتار را به دالکی

ارتباط : مكملاً نشان داده بلوک

خود را به داخل آن کل : که بلوک :

جزو اوست بیک صورتیکه موافق

مقصد باشد سوق باید نمود .

تفاوتها در انتباه

تفاوتها در انتباه

بلوك : تشكيل خط اخپور

قو مانده ما

۰۱ از نظام صف حرب

فلانی بلوك - اخپورسی ۱ (به شكل ۱

مراجعت كنيد .)

فلانی بلوك - (شيت) (كبنه)

اخپورسی ۱ (به شكل ۲

مراجعت)

فلانی بلوك - استقامت ۱ يكا توت -

۴ كام متر (نيم كام متر)

(بی متر) - اخپورسی ۱

از نظام داگيقتار

فلانی بلوك - كبنه (شيت) - اخپورسی ۱

(شكل ۳)

+ در ابتدا دلگی ارتباط است .

بعد از اخپور شدن باید که دلگی

پیشرفته

۱۶۶

به يك طرف

به متر های

مختلف

به يك طرف

ارتباط تعیین شود .
فلانی بلوک - اخیورسی ۱

به دو طرف

دلگی های نصف سر ؛ به طرف راست ؛
و دلگی های نصف پس ؛ به طرف
چپ ؛ اخیور میشوند . شکل ۴
با وجود آن امکان است که بلوک کشر ؛
به هر صورت که مناسب بداند بلوک را
اخیور کرده میتواند . مثلا :
دلگی های نصف سر ؛ کینته ؛ دیگر
دلگی ها - شینته - اخیورسی ۱

- ۱. اولاً جبهه مطلوبه گرفته شود و
بده اخیور شود . و یا :
 - ۲. استقامت جدید را در قومانده ؛
افزوده اخیور شود . مثلا :
- فلانی بلوک - استقامت کین نیم کی
چنار و نه - ارتباط له کین ورز

به استقامتیک
به جبهه مائل
باشد ۱۷۷

دلکی - اخپورسی ۱ شکل ۵

۱. دلکیمشر دلکی ارتباط ، فوراً

استقامت جدید را میگیرد .

۲. بعد از اخپور شدن ، باید که

دلکی ارتباط جدید تعیین

شود

در انجمن ایستاده کی : از نظام صف حزب .

فلانی بلوک - ارتباط ، فلانی دلکی

زای به زای - اخپورسی ۱

۱. دلکیمشرها سرریماً ۱۰ کام

پیشروی جبهه جدید می

برایند (برای تشکیل اساسی

خط اخپور)

۲. افراد تا اینکه به پس پشت

بیایند از هم دیگر جدا

میشوند

بلوک رایش

تبرده یعنی

جای بجای

لاخپور

کوردن ۱۷۸

عربی
عالم

موضع نسی ۱	در قومانده:
۳. افراد به خط	
دلگیمشراں ۱	
داخل میشوند ۱	
هرگاه سربه - آ تشکیل خط ۱	
مطلوب باشد :	
فلانی بلوک - فلانی دلگی ۱ ارتباط -	
اخیورسی ۱ مارش ۱ مارش ۱	
۱. ترشا درپژ ۱	بلوک هرگاه
بعده :	به مجتمع
فلانی بلوک زای به زای - اخیورسی ۱	نظام بوده حال
بلوک هرگاه درپسرفتار باشد	پسرفتار
قاعده اولاروی به طرف دشمن آورده	باشد :
ایستاده کرده میشود بعده اخیور کرده	۱۸۰
میشود . این يك قاعده عمومی است .	
مستشاد آرد : مثلاً هرگاه سربه آ يك موضع	
را اشغال نمودن ، لازم باشد ویا در	
حین رجعت به زیر آتش دشمن :	
البت میاید که به استقامت رفتار ۱	
اخیور شود .	

حرکات يك خط اچپور و موضع گرفتن آن

۰۱ مواد عمومیه :

	۰۱	تشنک را قید کردن	
در اثنای حرکت و یاد در هنگام شروع	۰۲	کار توسدانی را بند کردن	۱۸۲
به زحف و بلا امر	۰۳	به سرعت تادیه و گامهای دراز و آزاد و انداختن	

۱۸۱ مسافه های دراز را بکمال انتظام و قطع نمودن و در اراضی دشوار نیز و استقامت رفتار را محافظه کردن و مهمترین تعلیم و تربیه نیت نظام است. در يك قطعه عسکریه که تعلیم و تربیه اش مکمل باشد به عوض نوماتده اکثری اشارت داده میشود.

در خصوص تماماً محافظه
 نمودن منزهها و رعایت
 به حدی

۱. دائماً در پیشروی اخیوریا میباشند
 دائماً در طرف دشمن میباشند یعنی
 در حرکتها تیکه رو برو و یا به
 جانب کرده میشود در پیشروی
 اخیوریا میباشند

ب. در رجعت یعنی در پس آمدن
 در عقب خط اخیور میباشند
 عبارت از اینهاست :

۱. به سوی پیش رفتن
 ۲. پس آمدن

۳. شی نیم و یا کین نیم رفتن (برای
 قطع مسافه های کوتاه)

۴. حرکات جانب (مکر در پس پشت)

دلگمشرها

بلوکشرها

۱۸۳

حرکات خط

اخیور ۱۸۴

ستاره ها ! و در خارج آتش دشمن (

تبدیل استقامت رفتار

ب. قومانده ها

فلانی بلوک (نصف) - مارش !

(مارش ! مارش !)

ترشا - مارش !

شی نیم (کین نیم) - مارش !

شی خواه (کین خواه) - مارش !

چرخ لازم است • چرخ مذکور

مرکاب به درجه خرد باشد :

• یا استقامت جدیده داده میشود •

مثلا :

استقامت رفتار ! چنار بلند !

حرکات

تیه جانب

پیشروی

۱۸۴

چرای پس

آمدن

چرای حرکات

کوز

چرای حرکات

جانب

چرای تبدیل

استقامت

عبدالرحمن

۲. و یا قسومانده چرخ داده درین
قومانده ؛ استقامت رفتار جدید ؛
ذکر میشود . مثلاً ؛

شی چرخ - مارش ؛ استقامت ؛
چنار بلند ؛

به طرز توسیع جبهه اجرا می یابد .
یعنی ؛ هر دلگی خط اخپور ؛ گویا
تنها بوده باشد چرخ نموده جبهه

مطلوبه را میگیرد . درین صورت ؛
قدمه ها در خط اخپور پیدا میشود .

قدمه های مذکور یا در اثنای پیشرفت ؛
و یا در توقف نخستین ؛ تدریجاً و

متعاقباً به حذای دلیگی محور آمده
خط اخپور ؛ مجدداً پیوند میشود .

هرگاه خط اخپور ؛ دراز باشد
یعنی هرگاه بلوکهای متعدد ؛ اخپور

شده باشد بقرار فوق ؛ چرخ مینمایند .

حرکت چرخ
اگره درجه
زیاده باشد



مگر در اینجا قدمه ها عبارت از بلوکها
خواهد بود .

هرگاه شروع آتش
نشود .
درین صورت ؛
بلوکها شروع در لگیمشرها
در پیشروی جبهه
میباشند

دریتر ؛
پرووت ؛
زنکون کبزد ؛

حرکت
پیشرفتن را
ختم کردن
۱۸۶

دلگیمشرها تکرار ؛
پیشروی جبهه
میروند .

ترشا دریتر ؛

حرکت پس
آمدن را ختم
کردن

۱ . اخپوردها ؛
حذای بلوکشرها
رفته . وضع
مبگیرند .

موضع نیسی ؛

هرگاه محاربه
آتش کرده
خواهد شد

۲ . هرگاه ممکن باشد
نشانه ها بیشتر ؛
یعنی قبل از

۱۸۶

اخپور شدن ویا در موضع
 ماقبل ؛ تنظیم کرده شود
 تا بمجرد موضع گرفتن ؛
 افراد ؛ بلا انتظار امر ؛
 به محاربه آتش ؛ شروع
 کنند .

ویا

اگر پیشرفت
 لازم باشد
 فلانی بلوک مارش ؛ استقامت ؛ یک
 جناح ؛ فلانی دلکی ارتباط ؛

۰۱ بعد از اشفال يك
 موضع ؛ هرگاه آتش
 کرده نخواهد شد
 ۰۲ هرگاه فاصله آتش
 داده شده باشد .
 (مکرر درین صورت ؛
 بلوکشرا ؛ دو نفر
 برای ترصد دشمن ؛
 تعیین میکنند .
 مثلا: فلانی و فلانی ؛

دشمن را ترصد
کند (۱)

اخپوریا آماده اجرای
آتش میشوند . یعنی
زحف کرده به خط آتش
میروند و تفنگهای خود را
کشاده منتظر به امر دیگر
میشوند .

بعد
در ظهور موضع نسی !
دشمن

ح . تره پله ها

فلانی بلوک (نصف ، دلکی) تره پله
ولار - مارش ! مارش !

۱ . اخپوریا حرکات برگردن تفنگ را
اکمال کرده تفنگ را قید میکنند

۲ . کارتوسدانی را بند میکنند .

۳ . آماده جهیدن میشوند .

افرادی که پروت کرده بودند بدینگونه :

آماده جهیدن میشوند :

قومانده ۱۸۸

در قومانده
تره پله ولار

علی‌اصغر
میکشورده

۸۳۷

۱. تفنگ را سینه دست چپ تسلیم
 میکنند.
 ب. دست راست را به زمین تکیه
 میکنند.
 ح. تنه های خود را بشرط اینکه از
 زمین بلند نکنند زانوی راست
 خود را تا که ممکن است زیر شکم
 می آرند.

بعد از اندک فاصله که برای نیاری
 فوق بکار است بلوکشر قومانده :
 تریه رلار : مارش ! مارش !
 داده سریعاً میدود . و افراد :

- ۱. مانند برق
 - میخیزند و
 - ۲. خیلی سریع
 - میدوند
- این دو حرکت را
 یکجای میکنند .

[افراد در حین دویدن : برچه هارا
 بدست چپ میگیرند . افراد بکه حرکت

بر کردن تفنگ را تمام نکرده اند
نیز باید بدوند .

باید که ۸۰ متره را تجاوز نکنند .

تره پله دراز : برای اینکه حتی الامکان
بزودی به دشمن رسیده

شود اجرا می یابد .

تا حرکات تفرضیه ؛
باطی نشود .

تره پله کوتاه : برای اینکه دشمن ؛

فرصت آتش را نیابد

اجرا میشود .

تره پله

طول تره پله ها

۳۲۷

به تأثیر آتش دشمن } تابع است .
به حال زمین
به شکل زمین

هرگاه دلکی دلکی اجرا یابد باید که

بالخاصه ؛ تره پله های کوتاه کرده شود

چرا که اگر بالعکس باشد :

تره پله ها

۰۱ به آتش اخپوریهانی که تزه پله
نکرده اند مانع میشود

۰۲ پیشرفت یعنی حرکت تعرضیه
کسب بطلانت میکنند

۰۳ بناء علیه : تنها در حین مجبوریت

باید کرده شود [درینصورت]

آن دلگی که تزه پله میکنند باید

که به طرف سر از خود نزدیک

شده تزه پله کند و آن اقسام

ویا غیرکها که تزه پله نکرده اند

در مدت تزه پله دلگی مذکور

بر هدف دیگر آتش کنند

و هرگاه تزه پله فوق بلوک بلوک

اجرایابد :

۰۴ معاونت متقالبه آتش : تصعب

کرده میشود یعنی مشکل میشود

۰۵ فوق آتش هرگاه حقیقه موجود

باشد تزه پله مذکور اجرا میشود

از حجاب و مساعده اراضی و بالاستفاده :
 بهض اقسام خط اخیور و سریمتر
 از دیگرها پیشرفت میکنند . مع مافیه :
 خصوص مذکور یعنی اینگونه
 پیشرفتهای منفرد و به مطرو دیتهاستیک
 موفقیت تعرضیه عموم را در شبهه
 می اندازد سبب شده میتواند .

۳۳۸

پیشتر از تره پله :

۱۸۹

هرگاه ممکن باشد موضع جدید
 آتش و آراه کرده شود . مثلا :
 تا همان علفهای سبز و تره پله خواص
 کرد به دیگران نیز بگوید . و وقتیکه
 اطمینان حاصل شد که کافه افراد
 بلوک و خبر شدند قومانده : فلانی
 بلوک و تره پله و لار - مارش و
 مارش داده میشود . افراد به همین
 موضع جدید که رسیدند خود بخود و

موضع میگیرند یعنی منتظر به امر دیگر
 نمیباشند . و هكذا . . . (به صحیفه
 های مابعد به « بحث اداره آتش » مراجعت
 کنید !)

بعد از تره پله :

۰۱ در حین لزوم باید که تبدیل نشا نگاه
 شود .

۰۲ بدون انتظار به يك امر دیگر ؛
 اخیوریهسا باید که شروع آتش
 کنند . [در صحیفه های مابعد
 به بحث « بعد از شروع آتش » ،
 مراجعت کنید !]

مرکاب بلوکشر مشاهده کند که نظر به
 حال اراضی ، قسم اعظم اخیوریهسا
 برای اینکه آتش کرده بتوانند به
 وضعیت زنگون کیژد و یا به وضعیت
 ایستاده ؛ مجبورند :

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

۰۱ باید که موضع مذکور را غلط :

دائسته برای گرفتن موضع مناسبتر :

فورا تکرار ؛ حرکت کند .

۰۲ هرگاه اینگونه تبدیل موضع :

خواه از شدت آتش دشمن و

خواه بسبب رعایت به قطعات

مجاوره ؛ ممکن نشد درینصورت

هرگاه احوال محاربه ؛ مساعد

باشد یعنی در قطع نمودن آتش ؛

هرگاه محذوری نباشد بلوکشر

باید که آتش را موقعا تعطیل

کند این را (فاصله آتش)

مینامند .

۰۳ و یا بلوکشر ؛ به اخبوریهای

مذکور ؛ هدف دیگر داده ؛

اجرای آتش میکنند . چنین

آتش را (آتش مفراضی)

مینامند .

[سلاح را از وضعیت پروت و بر کردن
 و بده از وضعیت زنکون آزد و یا از
 وضعیت ایستاده و آتش کردن و هم
 افراد را مانده میکنند و هم باعث کشف
 موضع میگردد . لهذا جایز نیست]

ده هجوم

هجوم خط اخیور بقرار آیت :

۳۴۷

۰۱ فرمانده و یا اشارت طرم برای
 برجه سوار سکر دن و داده
 میشود . بنابر آن مردو اخیوری
 که پهلو به پهلو اند مناوبه برجه
 سوار میکنند یعنی یکی از آنها
 برجه و سوار میکنند و یکی آتش
 میکنند و بده بالعکس و حمل
 میکنند .

۰۲ خط اخیورا شدت آتش و

به درجه آنها میسازند .

۳ در طرم هجوم ویا در قومانده :
 مارش ! مارش ! خط اخیور :
 جهیده به سوی دشمن میدود .
 ۴ پیشترک از داخل شدن به موضع
 دشمن : (مثلاً ۲۵ : ۳۰ م)
 تیار اوس ! کرده میشود .

۵ در میافا مناسبه قوماندان :
 ندای نصرت انجلی « الله الله » را
 فریاد میکنند . متعاقباً هر فرد :
 همین لفظه جلاله را بلا انقطاع و به
 بلند آواز ذکر کرده به موضع
 دشمن داخل میشود .

دشمن هرگاه در موضع ثابت کرد :
 مبارزه و مضاربه برچه : دوام
 میکند یعنی کافه افراد خط
 اخیور : مهارت بدنی و فنی
 خود را در برچه خود تطبیق

[Faint handwritten notes in the right margin, partially obscured by a vertical line.]

نموده و بناء علیه ؛ عظمت و
 قدرت اردو و دولت خود را به
 نوک برج و زور با زوی خود
 در سینه دشمن ؛ نقش کرده
 میروند .

دشمن هر گاه طرد کرده شد :
 ۰۶ همه افراد ؛ توقف کرده آتش
 تعقیب را به شدت و سرعت
 فوق العاده ؛ اجرا میدارند .
 افراد دیگر برای آتش تعقیب ؛
 جای نیابند به عقب خط بوده
 یعنی اشتراك به آتش نکرده به
 وضعیت راحت کی میباشد .

[بیشتر از داخل شدن به موضع
 دشمن ؛ به رسیدن استنادها
 منتظر نبوده بکمال سرعت و
 شدت ؛ پیشرفت نمودن خط

اخپور ؛ از جمله مقتضیات شرف
 و ناموس عسکر است . لهذا ؛
 دیگر قطعات عقب ؛ هنوز
 نرسیدند گفته داخل شدن را
 به موضع دشمن ؛ تاخیر نباید
 کرد .

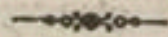
الحاصل ؛ كافة اقسام ؛ يك
 دفعه كه به هجوم ؛ شتابان شدند
 باید كه بلا انقطاع ؛ در پیشرفت
 خود ها بر دوام باشند [.
 بعد از طرد دشمن ؛

۱ . قطعات عقب باید كه بزودی ؛
 ایستاده کرده شوند .

۲ . قطعات مذکور به دیگر
 صورت ؛ استعمال کرده
 شوند .

۳ . باید كه به قطعات احتیاط

دشمن ؛ دقت کرده شود .
 ۴ . باید که به طویلی دشمن ؛
 دقت کرده شود .



تزدیک شدن . یکجا شدن .
 جمع شدن

در محاربه ؛ هرگاه قطعات به واسطه
 پر کردن محل تلفات ؛ همدیگر مخلوط
 شوند سوق و اداره ؛ مشکل میشود .
 چرا که افراد تالیهای مختلف ؛
 به زیر قومانده دیگر ضابطان باشند
 هم ضابطان و هم افراد ؛ درخصوص
 آواز و غیرت و اقتدار و لیاقت ؛
 بیگانه همدیگر میباشند .

بنابراین علیه در محاربه باید که میدان
 داده نشود که قطعات همدیگر ؛
 مخلوط شوند . درین خصوص ؛

تزدیک شدن

۲۱۱

چاره مؤثر اینست که عموم قطعات ؛
 به سوی قوماندانان خود ؛ منهدم
 نزدیک شده خالیگاه های تلفات را
 برکنند .

یعنی افراد دلگی ؛ به سوی
 دلگیمشر خود ؛ و دلگی های بلوک ؛
 به سوی بلوکشر خود ؛ و بلوکهای
 نوبی به سوی تولیمشر خود به حرکت
 شی یم و یا کین یم ؛ دریده نزدیک
 شوند .

آن دلگی ؛ که به تلفات زیاده ؛
 دوچار شد با افراد دلگی مجاور ؛
 یکجا شده و به زیر قومانده دلگیمشریکه
 موجود است در آمدن تابع عین اداره
 و قومانده میشود .

این نزدیک شدن ؛ قاعده خاص
 در اثنای حرکت یعنی در اثنای پیشرفت ؛

عبدالله لاکوه

تدریجاً اجرا میشود . یعنی آن
 مترها نیکو بیشتر امر شده بود در هر
 حرکت ؛ يك حصه آنها گرفته شود .
 مع مافیه ؛ در پس يك سپر نیز ؛
 گرفته میتوان شد . برای خصوص
 مذکور ؛ افراد ؛ از سپر پس شده
 و به دیگر ؛ نزدیک شده بعد تکرار
 موضع میگیرند .

خیلی زیاده نزدیک شدن افراد ؛
 هم مانع آتش ما میشود و هم به تزاب
 تلفات ما خادم میگردد . لهذا درین
 باب ؛ بکمال شدت ؛ محانت کرده
 شود .

در اثنای جریان محاربه ؛ هرگاه
 مقصداً و وضعیاً به نیت نظام بودن ؛
 حاجت و لزوم نماید ؛
 ۱ . سرازدگی ؛ قوماندان هر قطعه ؛

یکجا شدن

۲۱۲

فورا قطعه خود را یکجای میکنند .

۰۲ هر قطعه که برقرار فوق ؛ یکجا شده به مجتمع نظام درآمد باید به آن جزو نام که يك قدمه ؛ بزرگتر است التحاق نموده تابع امرش گردد .

۰۳ سریعاً مجتمع نظام گردیده به قبض قوماندان آمدن ؛ خیلی مهم است . لهذا درین باب ؛ انتظار به امر ما فوق ؛ حاجت نیست .

مجتمع نظام شدن خط اخپور

۰۱ دائماً به نظام صف حرب (مگر هر گاه به دیگر نظام ؛ امر نشده باشد)

۰۲ به سرعت و به کمال سکونت یعنی بی حرف زدن و بی خال مغال و از راه کوتاه .

[Faint handwritten notes in the right margin]

۲۱۳

۳. قطعاتیکه مخلوط شده بودند همین ترتیب مخلوطی را محافظه میدارند.
 ۴. نام صف اول و صف دوم نخواهد ماند؛ تنها نام دو صف؛ میباشد. تجمع خط اخپور؛ یا در حال توقف و یا در حال رفتار میباشد.

بوزای شده
 مجتمع نظام
 تشکیل
 میدارد.
 وجهه بلوک
 طرف
 دشمن میباشد
 شد.
 در
 قومانده می
 گاه (منز)
 ویا (کین)
 یاد نشد
 معلوم است
 که برشی
 است.

بلوک
 در حال توقف
 ۱. بر جناح راست یعنی برشی ویا
 ۲. بر جناح چپ یعنی بر کین ویا
 ۳. بر منزه

9

۵۲

بلوکشر ۱ نظر به جهنیک بلوک را
 بعد از تجمع خواهد برد و نظر به
 موقع خودش و نظر به سرعت و
 سهولت حرکت تجمع ۱ یکی را از
 ۳ شق فوق ۱ انتخاب میکند .

۰۱ دلکی جناح راست ۱ « دلکی
 اساس » میباشد .

تجمع بر جناح
 راست

۰۲ غبرک اول دلکی مذکور ۱
 « غبرک اساس » میباشد .

۰۳ غبرک اساس ۱ به مسافت ۳ کام ۱
 پیشروی بلوکشر می ایستد .
 پشت بلوکشر به طرف دشمن
 میباشد .

۰۴ افراد ساثره دلکی اساس ۱
 به حال راحت کی بوده به طرف
 راست یعنی برشی اولاً غبرک و
 بمسده به عین طرف ۱ دلکی
 تشکیل میدارند . و وقتیکه دلکی

مذکور - پیشروی بلوکشر :

تشکیل یافت دلگیمشر ، قومانده

آرام سی ! میدهد .

• دیگر دلگی ها به وضعیت سلاح

اوزه به طرف راست یعنی پرشی :

باز غبرک و دلگی : تشکیل داده

دلگیمشر های خود را که درین

هنگام ، سریعاً پیشروی دلگی

برآمده ست تعقیب میکنند . و

وقتی که بداخل بلوک به جای های

خود رسیده به قومانده

دلگیمشر های خود : راحتی

و آرام سی میکنند .

[بدون دلگی اساس : باقی

در همه دلگی ها الی زمانیکه دلگی :

تشکیل باید نظر اساس باید که

به کامهای کوتاه برود . نظر اساس

در دلکی های مذکور ، آنست
 که به سمت دلکی اساس باشد]
 ۰۱ دلکی جناح چپ ، « دلکی اساس »
 میباشد .
 ۰۲ حرکات متبایه بقرار حال فوق ،
 اجرامی یابد .
 ۰۱ عدد دلکی های بلوک هرگاه
 فرد باشد دلکی متز ، « دلکی
 اساس » میباشد . و
 هرگاه زوج باشد دلکی اول
 از نصف دوم بلوک ، « دلکی
 اساس » میباشد .
 ۰۳ هرگاه عدد دلکی ها فرد باشد
 غبرک ما بین از دلکی اساس ،
 « غبرک اساس » میباشد .
 و هرگاه زوج باشد غبرک اول

بر جناح
 چپ
 بر متز

دلکی اساس ۱ و غبرک اساس ۲
میباشد .

۰۳ غبرک اساس ۱ بشرطیکه پیشروی
بلوکشر بیاید دلکی اساس ۱ یا بر مع
ویا برشی ۱ یکجا میشود .

۰۴ باقی دلکی ها بدون توقف و
به این طرز ۱ به سوی دلکی
اساس ۱ یکجا شده بلوک را
تشکیل میدارند .

۰۵ تقریبات سازه ۱ بقرار ۲ حله
سالف الذکر است .

تجمع در حال | تجمع خط اخپور : چنانچه در حال
توقف بود همچنان در حال رفتار نیز
۰۳ طرز ۱ اجرا می یابد :

۰۱ بر جناح راست | یوزای شده مجتمع
نظام میگردد .

۰۲ بر جناح چپ | جبهه بلوک و
همود به استقامت

۰۳ بر منز | رفتار مییابد .

به هر طرز که باشد کافیه افراد و
سلاح اوژه میکنند . بعده :

۱. دلکی اساس : نظر به قومانده ؛
یا بر جناح راست و یا چپ و یا
بر منفر ؛ بوزای میشود .

۲. غبرك اساس از دلکی اساس ؛
بلوکشر را به ۳ خطوه ؛ تعقیب
میکند . بلوکشر موما الیه ؛
الی ختام حرکت تجمع ؛ به کامهای
کوتاه میرود و یا چنین کوتاه رفیق
را به غبرك اساس ؛ امر میکند .

۳. دیگر دلکی ها بی توقف ؛ در
پس پشت دلگیمشر های خود
اولا غبرك و بعده دلکی شده و
به سوی دلکی اساس ؛ حرکت
نموده بلوک را تشکیل میدارند .

۴. حرکت تجمع ؛ هرگاه به « مارش ؛
مارش ؛ » باشد حاجت به تشکیل

غبرك و دلکی نیست هر نفر به
سرعت ممکنه : دویده تشکیل
بلوك میشود .

بقرار طرزهای سابق التذکر : اجرا می
یابد . مگر : بمجردیکه استقامت
رفتار گرفتار شد بلوکشر : باز به سوی
دشمن یعنی به عقب بلوك خود میرود .
هرگاه از ضیاع وقت : خوف نباشد
یعنی هرگاه فرصت باشد اولاً
در حال توقف : جبهه به طرف دشمن
آورده تجمع شود و بعده رجعت شود .
خواه در توقف و خواه در رفتار :
هرگاه خط اخپور را مثلاً به نظام
دلکقطار : یوزای کردن لازم
باشد :

تجمع در حال
پس رفتاری یعنی
در حال
رجعت

تجمع خط
اخیپور
به دیگر
نظام

۱ . دلکی اسان : قولباشی میگردد
یعنی دلکی سر میشود .

۰۲. دیگر دلگی ها هر کدام که از راه
 کوتاه و رسیدن دلگی اساس را
 تعقیب نموده قطار مذکور را
 تشکیل میدارند .

۰۳. هرگاه در عین زمان و دو دلگی
 رسیدند دلگی دست راست
 در قطار و قدم میکند یعنی
 اولاً دلگی راست و بعد دلگی
 چپ و داخل قطار میشود .

بمضاً ایجاب میکند که خط اخیور
 به وضعیت زنگون کبزد و یا پروت و
 تجمع کند . برای مقصد مذکور :
 ۰۱. در فرمانده و حاجت نیست که
 چیزی علاوه شود . بلکه
 به غیرك اساس و یا دلگی اساس و
 آن وضعیت که لازم است امر
 میشود .

تجمع خط
 اخیور
 به وضعیت
 زنگون کبزد
 و یا پروت

۰۲ دیگر دلگی ها و قتیبا بجایهای
 خود رسیدند به افرادیکه پیشتر
 رسیده بودند دیده هرگاه آنها
 به وضعیت زنگون کیزد و یا پروت
 باشند اینها نیز : زنگون کیزد
 و یا پروت میکنند .

علی الاکثر : چنین احتیاج و ضرورت
 میشود که خط اخپور در بک محل
 معین : تجمع کند . در بنصورت :

تجمع خط
 اخپور
 در بک محل
 معین

۰۱ مثلاً بک پشته : نشان داده
 ۰۲ بلوکشر هرگاه دران پشته نباشد
 هر غبرک و یا دلگی که آنها
 رسید اساس میشود . دیگرها
 نیز به آنها رفته نظر به نظامیکه
 امر شد بلوک را محتملاً تشکیل
 میدارند .

<p>۱۰</p> <p>اخپوریهسا بیک صورت غیر مرتب نظام صف حرب تجمع میکنند اخپوریهسا دویده تجمع میکنند</p>	<p>فلانی بلوک دلکی یوزای سی ویا اشارت داده میشود</p>	<p>قومانده های تجمع خط اخپور ۲۱۳</p>
<p>به صحیفه - ۵۴ مراجعت</p>	<p>فلانی بلوک ابرمنز یوزای سی ویا</p>	
<p>به صحیفه - ۵۴ مراجعت</p>	<p>فلانی بلوک ابرکین یوزای سی</p>	

<p>نفر جناح راست به مسافت ۳ خطوه پیشروی بلوک کشر می ایستند افراد</p>	<p>فلانی بلوک جمع سی</p>	<p>اخپوریهارا به ترتیب اصلی جمع کردن</p>
--	------------------------------	--

ساژه بی تشکیل
 غبرک و دلکی بینی
 منفرداً آمده نظر
 به نقر جناح مذکور
 عملهای خود را
 به وضعت (راحت
 کی) میگیرند
 حرکت جمع شدن
 اخیوریهها تنها
 در توقف اجرا
 می یابد، در رفتار
 نمیشود

ویا:
 قطعه که بی
 ترتیب
 جمع شده است
 آنرا به ترتیب
 اصلی
 تشکیل کردن
 ۳۱۴

نوع آتش و قومانده های آن

نوع آتش | ۱. پخیل سر اور
 قومانده (۱) پخیل سر اور
 (۲) شدید اور
 (۳) و و اور

۰۲ بودم اور

قومانده : ۱) نشان نسوی ۱ -

اووور ۱

۰۱ پخپل سر اور :

۰۱ در قومانده : پخپل سر اور ۱

قوراً شروع آتش میشود .

سرعت آتش : معتدل یعنی میانہ

میباشد .

هر نفر در دقیقه تقریباً ۲ مری

انداخت میکنند

۰۲ شدید اور :

بلوکشر هر گاه مشاهده کنند که

اخیور بها بقرار فکر و خیالش

آتش نمیکند قومانده : شدید

اور ۱ : میدهد در صورت

عمومیه : سرعت آتش را خود

اخیورها تعیین میدارند (۱۹۶)

در دقیقه قریباً ۶ صریح

سرعت آتش : تابع است :

- ا. به وضعیت محاربه
- ب. به مقصد محاربه
- ج. به جیبخانه که موجود است
- د. به حال هدف (یعنی به جسمات و کثافت و درجه رؤیت هدف)

یعنی :

- ا. در حین تره بانه دشمن
- ب. در حین تره بانه قطعات مجاور شما
- ج. در حین پیشرفت دشمن
- د. در حین قرب قطعات قویه دشمن
- ه. به مقابل طویلی و مترالپوز

افراد و مجبورند که خود بخود و اجرای شدید اور کنند .

۲۰۸ | ۰۳ سرعت آتش را به انتهای درجه ؛ تزئید

نمودن : (در دقیقه ۸ صریح)

برای اینکه در آنک زمان ،
يك تاثير زياده استحصالی
کرده شود . سرعت مذکور
در احوال آتیه ؛ مستعمل
میشود :

ا . در تعرض ؛ بیشتر از هجوم
در احضار آخرین ،

ب . در مدافعه ؛ در مقابل به هجوم
دشمن ،

ج . در حین دفع و طرد سواری

د . علی العموم ؛ هر گاه با دشمن ؛
يك مصادمه تا گهانی و از نزدیک ؛
واقع شود .

ه . در آتش تعقیب

۰۴ | برای تعقیب نمودن سرعت آتش ؛

۲۲

۱۰

قومانده : دورو اور اء داده

ميشود . و اين در اوقات آنيه

ميباشد :

ا . مسافه هر گاه **كلان** باشد

ب . احوال ضيائيه هر گاه غير مساعد

باشد

ج . شناختن هدف هر گاه **مشكل**

باشد و :

د . محاربه آتش هر گاه دوامدار

يعني كشال باشد [براي اداره

عمودن جبخانه]

ب (يودم اور : دائما بقرار آني قومانده

ميشود : اولاً قومانده :

اور دپاره - تيار اوس ! وبعده :

نشان - نسي ي ا - اووور ا

داده ميشود .

تنها در حالات استثنائیه استعمال

۱۹۳

میشود .

آتش مذکور در احوال آتیه

مفید شده میتواند :

۱. هرگاه بفتنه یعنی ناگه به دشمن

آتش کرده شود .

۲. هرگاه قطعه آتش کیننده را

شدیداً به قبض داشتن لازم

باشد .

۳. برای تعیین نشانگاه

سرعت آتش

بلوکشر : نظر به وضعیت محاربه

آتش را بقرار آتی بواسطه قومانده

تنظیم میکند :

وور اور : ویا : شدید اور :

در : پنچل اور : سرعت آتش را

خود را خبروری : تقدیر میکند یعنی

سرعت آتش

۱۹۶

می سنجد درین اثنا

وظیفه اخیوری :

(ا) هر مرمی را به نیت اصابت یعنی
 به اعتنا انداخت کند (خوب
 نشان گرفته و ماشه را به سکونت
 تامه کش کرده اجرای
 آتش نمودن ؛ وظیفه مهمه
 هر اخیوریست . هر گاه به وظیفه
 مذکوره ؛ رعایت کرده شد
 سرعت آتش ؛ خود بخود ؛
 معین میشود . مافوقها بالمداخه ؛
 قومانده داده شدت آتش را
 تحدید و تشدید نمودن ؛ برای
 يك قطعه که تعلیم و تربیه اش
 مکمل باشد در اکثر حالات ؛
 دل و طار است .)

(ب) به اخیوری مجاورش در خصوص

آتش ؛ معاونت کنند بصرف
در اثنای آتش ؛ احواله دشمن را
ترصد نموده مشاهدات خود را
به رفیق خود بگویند .

(۳) در شدید آتش ؛ سرعت آتش ؛
به واسطه تسریع حرکات پر کردن
و وضعیت نشان گرفتن ؛ و مدت
ترصد را کم کردن ؛ میسر
میشود . والا ؛ آن زمان که
برای نشان گرفتن و ماشه را
کش کردن ؛ لازم است همیشه
یک رنگ است . یعنی سرعت
آتش ؛ خواه خفیف باشد خواه
شدید ؛ زمان مذکور ؛ لا بتغیر
است . و برای تسریع آتش ؛
از زمان مذکور ؛ تصرف نمودن ؛
جائز نیست . زیرا که تأثیر آتش ؛

تفاوتی میکنند . (درین حال) از
خصوصاً نیکا در (ب) بیان شده است
صرف نظر کرده میشود)

قومانده : فلانی بلوک - اور بند ۱
۱ . قومانده مذکور را کانه دلگیمشها
و در حین لزوم : همه افراد به
آواز بلند : تکرار میکنند و
بنا برین قومانده :

۲ . از حرکات آتش و برگردن :
فورا صرف نظر کرده میشود
۳ . هرگاه بعضی اخیوریهها تفنگ
خود را برای نشان گرفتن
به شانه خود : تکیه کرده باشند
نیز تفنگ را فورا پائین کنند .

۴ . در تمام خط اخیور : يك سکونت
قطر : حکم فرما بوده و به هیچ
چیز مشغول نبوده هر کس

آتش خط
اخیور را
قطع کردن
۱۹۷

۱۹۲

۱۹۳

به او اصراری که داده خواهد شد وقت

کامله باید نمود یعنی گوش به مافوق .

[برای قطع نمودن آتش ؛ صغیر

یعنی استعمال اشپلاق ؛ ممنوع است

چرا که احتمال دارد که دیگر بلوکها

که قطع آتش شان موجب ضرر است

نیز ؛ آتش خود را قطع کنند ؛

مع مافیه ؛ آتش را زود زود

قطع کردن ؛ خوب نیست لهذا هرگاه

ممکن باشد امرها را اولاً بی قطع

آتش ؛ به خط اخپور ؛ نشر و

تبلیغ کرده شود .]

قومانده ؛ به دانه ولو دوام ؛

[بعد از اکیمال پر کردن ؛ هرگاه

آتش را خاتمه و نهایت داده شود

تفنگ را قید کرده مابین دو بست

تفنگ بر ساعد دست چپ نهاده

بند از قطع

آتش ؛ هر

گاه دیگر

آتش ؛ کرده

شود

میشود تا يك قضا و تهلكا ؛ واقع نشوده
هدف مذکور را تکرار ؛ تکرار
تنها قومانده :

اورته دوام ؛ داده میشود .
و اگر تبدیل نشانگاه ؛ لازم باشد ؛
قومانده :

نشانگاه ۵۰۰ - اورته دوام ؛
داده میشود .

قومانده ، که برای هر دو نوع آتش
داده میشود باید تا که ممکن است
مختصر و مفید باشد و به بلند آواز
و واضح و پارچه پارچه داده شود .
و هر گاه از وضعیت پروت داده شود
باید که روی به طرف زمین آورده
داده نشود بلکه از بالای سر اخبوینها
دیده قومانده داده شود و اگر
بالمکس باشد از جانبها شنیده

و هر گاه
به عین هدف
به نشانگاه
صا بق ؛
تکرار آتش
کرده شود

۱۹۴

بیت
عناصرا

نمیشود . الحاصل : قومانده مذکور

باید که :

- ۰۱ کوتاه باشد و
- ۰۲ استقامت را
- ۰۳ هدف را
- ۰۴ نشانگاه را
- ۰۵ نوع آتش را

(مخامخ اخیوریان ! نشانگاه ۸۰۰ !
بچیل سر اور ۱)

(شی نیمته - اسپور ! نشانگاه ۱۹۰۰)

(بچیل سر اور ۱ - نشانگاه ۱۷۰۰)

(نیم کبته - شنه تیه کی قطارونه !

نشانگاه ۱۰۰۰ ! اور دپاره - تیار

اوس ! نشانی سی ۱ اووور !

دک !)

سراکاه دو نشانگاه ۱ استعمال شده و

تبدیل یکی از آنها لازم باشد در قومانده :

۱۹۵